

مسئولیت امین در عقود امانی

امیر رضایی فومنی^۱، فاطمه نصیری فقیر سمیعی^۲

^۱ هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر انزلی

^۲ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز بین الملل بندر انزلی

چکیده

در عقود امانی این بحث مطرح می‌تواند باشد که آیا می‌توان با توجه به عدم ضمان امین در این عقود شرط ضمان را برای وی قرار داد که به نظر می‌رسد با توجه به اقوال مطرح شده عدم ضمان امین مگر در صورت تعدی و تفریط نزدیک به صواب باشد لذا قاعده‌ی ید امانی در عقودی که در آنها نوعی رابطه‌ی امانت برقرار است برای امین شرایطی را جاری ساخته که برابر آن امین مسئول جبران خسارات وارده بر مال تحت امانت او نیست و همین قاعده در ماده ۶۱۴ قانون مدنی منعکس گردیده. هرچند این ماده در خصوص عقد ودیعه است اما در عقود دیگر مانند اجاره، رهن، عاریه، وکالت و... نیز بدان اشاره شده. از سوی دیگر وجود قاعده‌ی ای مندرج در ماده ۱۰ همان قانون این امکان را به متعاقدين داده تا با انعقاد قرارداد خصوصی مقاصد مشترک خود را در قالب عقود خصوصی انشاء نمایند. حال باید پذیرفت که هر مالکی متمایل است، کسی را که در اثر انواع عقود بر مال خود مسلط میگرداند تحت قاعده و یا شرطی (شرط نتیجه) مسئول جبران خسارات وارده قرار دهد تا از بار اثبات مسئولیت امین رهایی یابد و این امتیاز چندان مهم است که حتی ممکن است در صورت عدم امکان اندراج آن مالکین را از انجام عقود امانی منصرف سازد. بنا براین وجود راهکاری جهت جمع منافع متعارض متعاقدين، جلب توجه مینماید که بنظر شرط مسئولیت امین در عقود امانی آن راهکار مورد انتظار باشد. با این حال باید توجه داشت که نمیتوان در سایه اصل آزادی قراردادها (ماده ۱۰ ق.م) به هر توافقی دستبازید چراکه همین اصل نیز در برابر توافقات مخالف شرع یا نظم عمومی یا مخالفت صریح با قانون و از همه مهمتر در مخالفت با مقتضای ذات عقد مورد شرط، کارایی ندارد. پس باید ابتدا به محدودیت های اصل آزادی در خصوص اندراج شرط مسئولیت امین اشراف پیدا کرد و سپس با بررسی ماهیت و مقتضای عقود امانی به مقتضای ذات آنها رسید تا بتوان در صورت نبود مانع، مسئولیت نقصان و تلف مال را بر عهده‌ی امین نهاد.

واژه‌های کلیدی: امین، مسئولیت مدنی، تعدی و تفریط، عقود امانی.

۱- مقدمه

امانت داری از مصادیق اخلاقی و نیز حقوقی است که از ملزومات زندگی بشر است و توسط دونفر و بر اساس عقد صورت می پذیرد. امانت داری از نیازهای اجتماعی بشر بوده و در استوار سازی پیوندهای جامعه نقش بسزایی دارد. زیرا استواری پیوندها در جوامع بشری و امدار امانت داری و گسترش آن در جامعه است. قرآن کریم در سوره نساء آیه ۵۸ می فرماید: ان الله یامرکم ان تودوا امانات الی اهلها و در روایتی نیز آمده است: افضل الایمان الامانه. امانت چند جنبه دارد. امانت داری در اموال خود و دیگران اعم از اموال و غیر آن. نقطه مقابل امانت داری خیانت است.

در شریعت اسلام به این پرسش پاسخ داده شده است و اعلام گردیده جان، مال، آبرو و حیثیت اجتماعی انسانها محترم می باشد و هیچ کس به هیچ وجه نباید به دیگران ضرر و زیان برساند و اگر ضرر و خسارتی وارد شد - که طبیعت جامعه انسانی است - نباید بدون جبران بماند و هرگونه فعالیت و اقدامی که موجب خسارت و زیان شود، شرعاً محکوم به رد و موجب ضمان است.

آنچه محقق را برای تحقیق در این حوزه ترغیب می کند، سکوت و اجمال قانون در برخی از موارد و وجود اختلاف نظرات فقهی و حقوقی در مباحث مربوط به مسوولیت امین می باشد. از جمله در بحث وضعیت حقوقی امین بعد از ارتکاب تعدی و تفریط و سپس عمل به مقتضای امانت (بازگشت به حالت اول). به عبارت دیگر آنچه ذهن محقق را سخت به خود مشغول می کند، بررسی این است که اگر متصرف امین پس از ارتکاب تعدی و تفریط از عمل خود پشیمان شود و بخواهد دوباره به مقتضای امانت برخورد کند، آیا صرف پشیمانی و رفتار امانت دارانه وی، وضعیت حقوقی او را دگرگون می سازد یا آب رفته به جوی باز نمی گردد و باید همانند غاصبان با وی رفتار نمود.

همچنین در بحث اثر قراردادهای خصوصی در مسوولیت امین؛ به عبارت دیگر شرط ضمان در صورت عدم تعدی و تفریط و شرط عدم ضمان در صورت تعدی و تفریط.

این بحث از آن حیث چالش برانگیز است که قانون در عقد عاریه از نفوذ شرط ضمان بر مستعیر سخن گفته، اما تکلیف آن را در عقد ودیعه روشن نکرده و از این مجرا برخی از اساتید و اندیشمندان حقوقی برای نفوذ شرط ضمان بر مستودع دست به قیاس زده اند و سکوت قانون را اینگونه تفسیر کرده اند. همچنین در بحث شرط عدم ضمان، برخی از اساتید و اندیشمندان حقوقی آن را نوعی «ابراء» تلقی کرده اینگونه نتیجه گرفته که چون پیش از تلف مال هنوز دینی برای امین ایجاد نشده است، اسقاط آن امکان ندارد. و برخی دیگر از اساتید و اندیشمندان حقوقی برای نفوذ شرط، «حاکمیت اراده» را مطرح ساخته اند. در تحقیق حاضر نگارنده به دنبال رسیدن اهداف ذیل است:

اولاً این که، با توجه به ید ضمانی که بعد از تعدی و تفریط بر امین حادث می شود، مسوولیت امین بعد از تعدی و تفریط و بازگشت به مقتضای امانت چگونه خواهد بود.

ثانیاً، ماهیت و اعتبار قراردادهای خصوصی در مسوولیت امیندر عقود ودیعه و عاریه.

ثالثاً، نفوذ شرط ضمان در عقود ودیعه و عاریه چگونه خواهد بود.

رابعاً، نفوذ شرط عدم ضمان در عقود ودیعه و عاریه چگونه خواهد بود.

پیشینه تحقیق

در زمینه پژوهش حاضر مطالعات پراکنده‌ای آن هم به صورت کلی انجام گرفته است از جمله:

- فرشید روشندل در پژوهش خود تحت عنوان: «شرط عدم مسؤولیت در عقود امانی» (دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم اجتماعی، تابستان ۱۳۸۹) در بخش نتیجه‌گیری چنین عنوان نموده است: «با این بررسی مشخص گردید که شرط عدم مسؤولیت از زمره شروط غیرمقدور، بی‌فایده، مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود، و خلاف مقتضای عقد نمی‌باشد. این شرط اصولاً خلاف قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه نیست؛ لکن در مورد ارتکاب تقصیر عمدی و سنگین، توافق بر عدم مسؤولیت یا تحدید مسؤولیت امین بر خلاف نظم عمومی و باطل است و شرط عدم مسؤولیت نمی‌تواند از تعهد او در صورت ارتکاب تعدی و تفریط، نسبت به جبران خسارت بکاهد. زیرا در یک جامعه منظم هیچ کس حق ندارد در پناه قراردادی که به سود خود تحصیل کرده است در ضرر زدن به دیگران آزاد باشد و زمینه‌های بد طینتی و مردم آزاری از نمونه‌های بارز تجاوز به نظم عمومی است. در حقوق کشورهای فرانسه، مصر، ایالات متحده آمریکا و بلژیک نیز این شرط در برابر تقصیر سنگین و عمدی اعتبار ندارد. همچنین به لحاظ اینکه سلامت اشخاص اعم از سلامت جسمی و معنوی مربوط به نظم عمومی است، در این موارد نیز شرط عدم مسؤولیت باطل فرض شده است. . . اما استثناء این استثناء، شرط برائت پزشک از ضمان می‌باشد که بنا به ضرورت و مصلحت و جهت مسدود نشدن باب معالجه و بلکه در راستای حفظ نظم عمومی پذیرفته شده است».

- معصومه بصره آرانی در پایان نامه خود تحت عنوان: «بررسی فقهی - حقوقی ضمان در عقد ودیعه» (دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، تابستان ۱۳۸۴) در نتیجه‌گیری چنین گفته است: «... همگی (فقها) بر عدم وجود ضمان در ودیعه مگر در صورت تعدی و تفریط اتفاق نظر دارند و قاعده عدم ضمان امین در آن، از محکم ترین مستندهای این قول می باشد. . . مهم ترین بحث «شرط ضمان در عقد ودیعه است» که به جز یک روایت ضعیف، اجماع فقها بر بطلان این شرط در عقد ودیعه است؛ اما در حقوق مدنی - بر خلاف فقه - دو قول کاملاً متضاد وجود دارد. قول اول، موافق با نظر فقها و مبنی بر بطلان این شرط بوده؛ ولی در قول دوم - افرادی چون دکتر کاتوزیان - به این نتیجه رسیده‌اند که شرط ضمان در عقد ودیعه صحیح و قابل اجرا است. . .». در نهایت اذعان می نماید «... گستردگی بحث ودیعه باعث شد از بعضی مطالب به صورت گذرا فقط در حد معرفی و مقدمه سخن گفته شود».

فرضیات تحقیق

امانی بودن ید امین در عقود امانی مقتضای اطلاق عقد می باشد. در اعتبار شروط عدم ضمان یا تحدید ضمان امین - جز در موارد تلف عمدی و سنگین و آنچه در حکم آن است - نباید تردید نمود و این گونه شروط صرفاً تا زمانی که با نظم عمومی، اخلاق حسنه و قواعد آمره در تعارض نباشند، معتبر می باشند، بر همین اساس پذیرش این دو شرط به طور مطلق صحیح نخواهد بود. شرط افزایش ضمان امین، بر اساس اصل حاکمیت اراده، اصل صحت، قاعده تسلیط و تکمیلی بودن قواعد مربوط به مسئولیت، معتبر است؛ اما پذیرش مطلق این شرط قابل قبول نیست و تا جایی معتبر است که مخالف نظم عمومی، اخلاق حسنه و قوانین آمره نباشد.

روش تحقیق

این تحقیق به روش تحلیل-توصیفی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

مسئولیت

مسئولیت در لغت به معنای مورد پرسش و سوال واقع شدن است. وغالباً به معنای تفکیک وظیفه و آنچه که انسان عهده دار و مسئول آن است، می باشد. (عمید ۱۳۵۷:۹۵). و در اصطلاح به معنای تعهدقانونی شخص است به دفع ضرردیگری که وی به او وارد آورد، خواه این ضررناسی از فعل خود او باشد. یا از فعالیت او ایجاد شده باشد. در فقه و حقوق اسلامی به جای واژه مسئولیت، لفظ «ضمان» در همین معنا به کار می رود و اعم از مسئولیت مدنی و کیفری است.

ضمان

مقصود از ضمان، (به فتح و کسر فاء)، معنای عام آن است که شامل حواله و کفالت می شود نه معنای خاص آن که قسیم حواله و کفالت است. ضمان از ریشه «ضمن» در لغت به معنی پاداش، مکافات و بعهده گرفتن یا بعهده داشتن است. (عمید ۱۳۶۵:۹۵) و در اصطلاح فقها همان التزام وعهده دار شدن است. (خمینی ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۲۹)

لقطه

لقطه از «لقط الشيء» (آنرا از زمین بلند کرد و برداشت) در لغت به معنای مال رها شده ای است که در راه و مانند آن یافت می شود، و صاحب آن معلوم نیست. لقطه شامل انسان کودک و مجنون، حیوان و اموال می شود که به ترتیب لقیطه، ضاله و لقطه به معنی خاص نامیده می شود. (حسینی ۱۳۸۲: ۴۲۲)

ولی و قیم در حکم امین

«ولی» کسی است که سرپرستی امری به او واگذار شده، یا به آن اقدام می کند چه مذکر باشد و چه مؤنث. «قیم» نیز به معنای کسی است که برای حفظ مال محجور قائم مقام او شده است. اشخاصی که به عنوان ولی (خاص یا عام) قیم، وصی، امین برای

اداره اموال افراد تحت سرپرستی خود و یا اموال غائب و وصی له صغیر یا مجنون دخالت می‌کنند، از آنجا که به حکم قانون چنین معنی را پیدا می‌کنند وضع ید آنان بر اموال غیر ناشی از همین حکم قانونی است.

مفهوم امانت در جامعه امروز

امروزه به موازات توسعه روابط حقوقی بین افراد و گسترش روزافزون آن، تجلی امانت نیز در جامعه هر روز زیاده‌تر می‌شود. ضرورت مبادله کالاها که لازمه ارتباط حقوقی بین انسانها است، موجب می‌شود که اموال ثابت نبوده و دائماً در گردش باشند. و در غالب قراردادها در دست غیرمالک قرار گیرند. به عنوان نمونه با عقد اجاره عین در دست مستاجر قرار می‌گیرد تا از آن منتفع گردد و در اثر عقد ودیعه مستودع برای حفاظت بر مالی موظف می‌شود؛ کسی مالی را صرفاً جهت استفاده از منفعت آن به شخصی به طور موقت امانت می‌دهد، و یا شخصی در اتومبیل یا در خیابان مالی را پیدا می‌کند و موارد بسیاری از این قبیل که هر روز بیشتر و در عین حال پیچیده‌تر می‌شوند. در جامعه امروز بشری در عرصه‌های مختلف مردم کارها، مسئولیتها و اموال خود را به صورت‌های مختلف دست دیگران به ودیعه می‌سپارند و در جوامع پیشرفته از لحاظ فکری، مردم مسئولیت‌های مدنی را به صورت نهادینه شده به افراد دیگر جامعه به صورت کلی و دسته جمعی می‌سپارند. به عنوان نمونه مردم با شرکت در انتخابات که فرایندی است برای برگزیدن وکلای ملت در ارکان حکومتی، صرف‌نظر از مضاف الیه آن که ممکن است، مجلس، شورا، ریاست‌جمهوری و... باشد، انتخابات یک تفویض اختیار و سپردن امانت است. امانتی که تک تک افراد ملت بواسطه محذوری که دارند از اعمال آن ناتوانند و از اینرو به دست افرادی سپارند که حافظ آن بوده و آن را بدرستی ادا نمایند. همچنین کلیه اموال مؤسسات دولتی، جزء داراییهای عمومی یا بیت المال است که در دست کارمندان به امانت سپرده شده است و هر فردی به تنهایی موظف به حفظ و نگهداری و استفاده صحیح و قانونی از آنها است. حیف و میل بیت المال و استفاده شخصی و ناصحیح از آن، خیانت به اموال مسلمانان بوده و گناهی نابخشودنی است و در واقع، خیانت به خود نیز محسوب می‌شود.

امین

امین در لغت به معنای فرد مورد اعتماد و اطمینان و حافظ است. (حسینی ۱۳۸۲: ۷۰) در اصطلاح برای امین دو معنا نقل شد که به هر دو معنا در روایات اشاره شده است، در یک جا امانت در مقابل غصب منظور است و این که گفته می‌شود مستأجر یا وکیل و یا عامل در مضاربه و مستعیر امین است یعنی غاصب نیست ولو اینکه مورد اطمینان و ثقة نباشد. پس امین یعنی غیر غاصب. و هر کسی که مال دیگری را به اذن مالک یا شرع در استیلا خود داشته باشد امین است. در مورد دوم امانت در مقابل خیانت منظور است فلانی امین است یعنی مورد وثوق و اعتماد است. پس اگر مال در دستش تلف شود و او بگوید بدون تعدی و تفریط تلف شده کلامش مورد قبول و اعتماد است چون او موثق و امین است. به تعبیر دیگر مراد از امین کسی است که مال غیر با اذن مالک یا با اذن خدای سبحان نزد او است و او خیانتی نسبت به آن روا نمی‌دارد و فعل و ترک فعلی را که موجب نقص و تلف مال شود به عمل نمی‌آورد یعنی تعدی و تفریط ندارد؛ لذا اگر تعدی یا تفریطی نسبت به مال از وی سرزند او دیگر امین نیست زیرا عدم تعدی و تفریط در معنا و مفهوم و حقیقت لفظ امین اخذ شده و در صورت تعدی و تفریط امین نیست بلکه خائن است. در هیچیک از انواع امانت، فرد امین، ضامن نیست مگر اینکه صفت امین بودن بدلائلی از او سلب شود.

عقود امانی

عقد‌هایی هستند که مردم روابط معاملاتی خود را در قالب آنها تنظیم و انشاء می‌کنند مانند: اشخاص جهت استفاده از منافع یک مغازه تجاری یا مکان مسکونی مبادرت به انشای عقد اجاره می‌کنند. بنا براین در قراردادهایی که در آن چیزی بصورت امانت در اختیار شخصی قرار می‌گیرد تا از آن بهره برداری نماید یا آنرا نگهداری کند، مشمول عقود امانی می‌باشد. عقود امانی عبارتند از ودیعه، وکالت بی اجرت، عاریه، قرض، اجاره، رهن، مضاربه، مال الشریکه، وکالت، محموله‌های بار در شرکت‌های حمل و نقل، مزارعه، مساقات و...

شرط ضمان امین

همانطوری که بیان شد وبا دلائلی از منابع فقهی و اقوال فقها استدلال شد، امین ضامن نیست و اصولاً امین در قبال خسارت و تلف وارد بر مال مسئولیت مدنی ندارد، (شهادت ثانی ۱۳۷۲، ج ۷: ۳۱۲) اما عواملی این قاعده را تخصیص می‌زند، و دایره شمول آن را محدود و مختص به مواردی می‌کند که امین بهنگام خسارت و تلف وارد بر مال مرتکب فعل تقصیری (تعدی و تفریط) نشده باشد. وقید امانت به نوعی از وی زایل نشده باشد. لذا یکی از مشهورترین و متداولترین عبارات فقهی که در مبحث امانات کاربرد زیاد دارد اینست که «امین ضامن نیست مگر در صورت تعدی و تفریط» (حلی ۱۳۶۲، ج ۳: ۲۰۸) و با این وصف روشن می‌شود که از لحاظ مبنای مسئولیت تفاوتی بین قواعد عمومی مسئولیت با نظام امانات وجود ندارد و بعبارتی مبنای مسئولیت در عقود امانی با سایر مسئولیتها تفاوت بارز و بین دارد.

فرض مسئولیت امین مقصر

اکثر فقهای امامیه معتقدند که با ارتکاب اعمال تقصیر کارانه صفت امانت از بین می‌رود و صرف خودداری از تعدی و تفریط باعث عودت آن نیست و نیاز به عوامل دیگر دارد به عنوان مثال گروهی معتقدند که باید ودیعه موجب امانت فسخ شده و عقد مجددی منعقد شود حتی اذن مالک مبنی بر بقای امانت پیشین کافی نیست. برخی افزون بر این می‌گویند که باید مورد امانت به مالک تسلیم و دوباره به عنوان ودیعه به امین تحویل گردد. به عبارت شهادت ثانی در این عبارت اشاره می‌کنیم: «ولایبرأ المستودع باعادتها الی الحزر لو تعدی فاخرجها منه او فرط بترکه لانه صار بمنزله الغاصب فیستصحب حکم الضمان الی ان یحصل من المالك ما یقتضی زواله». (شهادت ثانی ۱۳۷۲ ج ۴: ۲۵۰) یعنی ذمه مستودع با بازگرداندن مال بری بری نمی‌شود، اگر تعدی و تفریط کرده باشد، زیرا او به منزله غاصب است و حکم ضمان استصحاب می‌شود تا اینکه ملک مالک را برگرداند یا آنچه که اقتضای زوال این ضمان را دارد. همچنین علامه در تبصره می‌فرماید که اگر مستودع بعد از تفریط به مقتضای ودیعه و تکلیف خود عمل نمود یا مالک بعد از تفریط به اذن سابق خود ادامه داد ضمان مستوع مرتفع نمی‌شود. (حلی ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۹۱).

تکلیف عقود امانی در صورت تقصیر امین

یکی از مسائل مهمی که در ضمن مباحث مربوط به ضمان در عقود امانی بررسی می‌شود این پرسش است که آیا ارتکاب تقصیر از جانب امین گذشته از مسئولیت وی باعث انحلال عقد امانی نیز می‌شود به عبارتی آیا تعدی و تفریط علاوه بر مسئولیت بر اذن نیز کارگر است و باعث زوال اذن و عنوان امانت می‌شود یا نه؟ در فقه امامیه در این خصوص نظر مشهور و

اقوی این است که تعدی و تفریط ارتباطی با اذن ندارد و لذا به هیچ وجه عقد موجب امانت مانند مضاربه و دیعه و عاریه ارتکاب تقصیر از بین نمی‌رود. تقصیر تنها بر آثار ناشی از عقد امانی تأثیر دارد و آن را ازید امانی به بد ضمانی تبدیل می‌کند. و بر مبنای عقد امانت هیچ خللی وارد نمی‌کند. در جایی از فقه امامیه و قانون مدنی تعدی و تفریط بعنوان عامل انفساخ عقود امانی نیامده است و با اندک نگاهی در موجبات ضمان و آثار تقصیر در ابواب امانات در متون و قواعد فقهی می‌بینیم که اثر تقصیر صرفاً در زمینه مسؤولیت ظاهر می‌شود. منتها با تقسیم امانات به دو قسم امانات محض و متضمنه این انفساخ را منحصر به امانت محض دانسته‌اند و ظاهراً تنها مصداق امانت محض ودیعه است. (نجفی ۱۴۰۵، ج ۹: ۶۰۶). نظر مزبور بین عقد امانی و آثار آن تفکیک قائل نشد و در واقع بین اذن و امانت فرقی ننهاده است.

عوامل تعیین کننده تعهدات امین

سه عامل عرف، قرارداد و قانون مبنای تعیین کننده تعهدات امین به شمار می‌روند بر این اساس اگر ارتکاب عملی از سوی امین از یکی از تعهدات ناشی از عوامل سه گانه مزبور تخطی کند به منزله تقصیر محسوب خواهد شد. تقصیر در یک تعریف عینی و ملموس عبارتست از: « ارتکاب امری وجودی یا عدمی که یکی از تعهدات ناشی از عرف، قانون و یا قرارداد را زیر پا می‌نهد». به عبارتی تخلف از یک تعهد تقصیر محسوب می‌شود. (نجفی، همان: ۶۰۶)

فقها بالاجماع بر این عقیده اند که امین باید مال ودیعه را به طور یکه مالک مقرر نموده حفظ کند و اگر ترتیبی تعیین نشده باشد آن را به طوری که نسبت به آن مال متعارف است حفظ کند و الا ضامن است.

یک تعهد قراردادی و عرفی را بیان می‌کند که تخطی از آنها باعث ضمان امین است. (مغنیه، همان: ۱۶۲)

تقسیم بندی تعهدات امین

اول تعهدات به وسیله، دوم تعهدات به نتیجه. (کاتوزیان ۱۳۷۵: ۵۴). توضیح اینکه در برخی تعهداتی که اشخاص عهده‌دار می‌شوند در قصد مشترک طرفین نیل به نتیجه منظور اساسی نیست بلکه اساس تراضی اینست که متعهد به عنوان یک فرد متعارف تمام کوششها و تلاشهای لازم را برای رسیدن به نتیجه معمول بدارد به عنوان مثال وکیلی تضمین برنده شدن موکل را در دعوی عهده‌دار نمی‌شود و یا پزشک تأمین سلامت بیمار را به هیچ عنوان نمی‌تواند تضمین کند ولی هم پزشک مکلفند از تمام راهکارهای پزشکی و حقوقی لازم برای رسیدن به منظور نهایی استفاده کنند و سهل‌انگاری، غفلت و بی‌مبالاتی در این راستا تقصیر محسوب می‌شود اما در تعهدی مثل تسلیم ثمن و یا عین مستأجر تعهد موجد و بایع تقصیر قراردادی به دنبال دارد.

حال باید دید که تعهد امین از چه نوع است؟ از دیدگاه منطقی و حقوقی تعهدات امین تعهدات به وسیله و محافظت تعبیر می‌شوند یعنی امین به عنوان انسانی دلسوز و مراقب در حفاظت و نگهداری اموال امانی تلاش کند و در این راه دستورات مالک و احکام قانون و عرف را رعایت کند. پس جوهره تعهد امین که حفاظت از اموال است یک تعهد به وسیله است اما ممکن است وی تعهدات دیگری را عهده‌دار شود که نوعاً تعهد به نتیجه به حساب آیند مانند اینکه حیوانی را که حافظ آنست در برابر یک بیماری شایع واکسن بزند همچنین تعهد به رد عین مورد امانت تعهد به نتیجه است. (همان: ۶۰)

اثر ناشی از این تقسیم آنست که در تعهدات به نتیجه عدم تحقق نتیجه بخودی خود تقصیر محسوب است و باعث مسؤولیت است و از اینرو متخلف از تعهد است که باید عدم تقصیر خود و انتساب نتیجه به قوه قاهره را اثبات کند در حالی که در

تعهدات به وسیله وضع بالعکس است کسی که مدعی تقصیر است باید اثبات کند که متعهد در اجرای تعهد خود تعدی و تفریط کرده است (مغنیه، همان: ۲۴۸) لذا در عقود امانی نیز امین در مقام منکر است (مفاد قاعده فقهی البینه علی المدعی والیمین علی من انکر) و تنها با سوگند بری می شود و این مالک عدم مسؤولیت نیز ناشی می شود یعنی با صرف وقوع تلف و نقصان و خسارت امین مسؤول نیست و باید تقصیر وی احراز شود. ولی در مورد تعهد به رد عین از سوی امین امر معکوس است یعنی تا مال به مالک رد نشده است امین از مسؤولیت بری نمی شود و لذا اثبات رد مال با امین است و لی عقیده مشهور فقها اینست که ادعای رد مال از سوی امین برخلاف قاعده و به استناد اخبار و به گفته بعضی اجماع بدون دلیل پذیرفته می شود.

مصادیق تعدی و تفریط

بزرگان فقه مصادیق تعدی و تفریط را به شش قسمت تقسیم نموده اند که این شش قسمت عبارتند از:

قصور در جلوگیری از انهدام امانت

حراست و دفع عواملی که باعث هلاکت و نابودی مورد امانت می شود، برامین واجب است، در صورتی که قولاً و فعلاً امانت را بپذیرد. در صورتی که (شهید ثانی ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۶۹) کم کاری و بی توجهی نماید. مثلاً اتومبیلی که در اختیار او به امانت است. در جایی پارک کند که احتمال تلف آن وجود دارد. و یا اسبی را آب و علف نهد و تلف شود. بدیهی است که مهملکاتی که به صورت طبیعی حادث می شوند شامل این مساله نمی شوند. مصداق این بیتوجهی و تفریط را عرف تعیین می کند، و فرد امین همانگونه که از مال خودش حراست می کند از مال مورد امانت هم باید حفاظت نماید. اما در صورت اکراه حفظ و نگهداری آن واجب نیست. (همان)

انتفاع

یعنی تصرف در چیزی به گونه ای که بخواهد فایده ای تحقق یابد. در حدی که باعث خرابی یا استحلاک مورد امانت بشود. (حسینی ۱۳۸۲: ۷۱) مانند استفاده از اتومبیل بیش از حد متعارف.

ایداع

یعنی به ودیعه سپردن مال امانی بدون ضرورت و اذن مالک. مثلاً جنسی که در اختیار امین قرار داده شده، او بدون اجازه مالک آنرا در اختیار شخص سومی قرار دهد. (همان: ۶۹)

قصور در حفظ کیفی امانت

یعنی مال امانی را از محلی که مالک برای حفظ معین کرده، تغییر دهد. مثلاً سیب درختی را که مالک آن برای نگهداریش آنرا در سردخانه قرار داده امین بدون اذن مالک آن را از سردخانه خارج نماید. و در محل دیگری انبار نماید.

تضییع

یعنی ضایع شدن مال مورد امانت، مثلاً محل نگهداری مال امانی را باز بگذارد و مال سرقت شود.

انکار ودیعه

یعنی اینکه مالی را که به امانت در دست اوسپرده شده منکرشود. ماده ۳۱۰ ق.م: «اگر کسی که مالی به عاریه یا ودیعه یا امثال آنها در دست اوست منکر گردد، تاریخ انکار در حکم غضب است.»

بنابراین امین در مقام تعیین تقصیرآمیز بودن فعل وی، در مقام یک انسان متعارف اجتماعی که در شرایط و اوضاع و احوال امین قرار دارد مقایسه می‌شود و از اینرو مفهوم عمومی تقصیر در مقام تعیین تعدی و تفریط در امانات نیز استعمال می‌شود. نگاهی اجمالی به مبحث ضمان در ودیعه در کتب مختلف فقهی این عقیده را به اثبات می‌رساند لذا تعدی و تفریط امین با توجه به نوع کاری که او مرتکب شده است معین می‌شود.

اثبات تعدی و تفریط امین از سوی مالک

در عقود امانی چون اصل بر عدم ضمان امین است مالک که مدعی اتلاف مال از سوی امین بدلیل تعدی و تفریط است، باید این امر را اثبات کند. یعنی مالک برای مطالبه خسارات ناشی از تلف و نقصان وارد بر مال باید اثبات کند که امین در اجرای تعهد به حفاظت از موضوع امانت تقصیر کرده است و یا اینکه تلف مال مستند به فعل امین بوده است. البته اثبات اتلاف مال به وسیله امین و احراز رابطه علیت بین تقصیر او و تلف از جمله قواعد عام مسؤولیت است یعنی زیان‌دیده باید تقصیر خواننده دعوی و رابطه علیت میان تقصیر و ورود زیان را اثبات کند اما بار اثبات تعدی و تفریط از جانب امین توسط مالک از آن رو به دوش مالک است که مفاد تعهد امین یک تعهد به وسیله است لذا با احراز تلف مال و یا نقصان آن این ادعا که امین به عهد خویش وفا نکرده قابل قبول نیست امین ملتزم به حفظ متعارف مال است آنچنان حفاظتی که اشخاص متعارف معمول می‌دارند اما در این راستا ضامن سالم ماندن کالا نیست حتی در جریان سالم رسانیدن کالا به مالک اگر مال تلف شود و یا نقص پیدا کند ضمانی ندارد. بنابراین مالک باید تجاوز امین را از حدود متعارف یا قرارداد اثبات کند. بعبارتی در مقام نبود اماره و قرینه بر اسناد تعدی و تفریط به امین اصل عدم تعدی و تفریط به سود وی جاری است و کسی که مدعی امر حادث است مدعی است و او مکلف به اقامه بینه است. (درودیان، همان: ۱۳)

مستندات قاعده عدم مسؤولیت امین

آیات

بعضی برای عدم ضمان امین به آیه شریفه «ما علی المحسنین من سبیل»^۱ استدلال کردند و گفتند امین مصداق محسن است و بر محسن سبیلی نیست و ضمان امین نوعی سبیل است که در آیه نفی شده است. لکن آنچه به ذهن می‌آید امین در همه موارد امانت مالکی و شرعی محسن نیست. بلی در باب ودیعه و لقطه که امین مال را به نفع و مصلحت مالک حفظ می‌کند محسن است اما در سایر ابواب از قبیل اجاره، عاریه، مضاربه، مزارعه و مساقات که امین برای مصلحت خود مال را حفظ می‌کند نه مصلحت مالک، صدق احسان مشکل است لذا آیه فی جمله می‌تواند دلیل باشد نه بالجمله زیرا دلیل اخص از مدعا است.

^۱قرآن کریم، سوره مبارکه توبه، آیه ۹۱

روایات

روایات دال بر عدم ضمان امین بسیار است که بعضی از فقها (مکارم شیرازی ۱۳۷۹: ۱۴۰) آنها را دسته بندی کرده تا هفت دسته را ذکر کرده است. دسته ای از روایات به صورت عموم دلالت بر عدم ضمان امین دارند مانند: «لیس علی المومن ضمان» (نوری ۱۳۱۸، ج ۲: ۵۰۶). بر امین ضمانی نیست و مانند «لیس علی الامین الا الیمین» (موسوی بجنوردی ۱۳۸۵، ج ۲: ۵) و دسته ای دیگر از روایات عدم ضمان امین معلل شده به این که او امین است و این نوع روایات از قبیل قیاس منصوص العله اند که می توان گفت هر چند روایات در مورد خاص است ولی حکم هر امینی عدم ضمان است در طایفه دیگر عدم ضمان امین در موارد خاص وارد شده که می توان از آنها قاعده عام فهمید نظیر آنچه در ابواب عاریه، ودیعه، اجاره، مضاربه، رهن و وصیت وارد شده که ودعی، مستعیر، مستأجر، مرتهن، عامل و وصی چون امین اند. ضمانی ندارند همه این نوع روایات دلیل اند که امین ضامن نیست مگر در صورت تعدی یا تفریط که آن صورت امین نیست بلکه خائن است.

ما در اینجا با استفاده از منابع احادیث شیعه به مواردی از این احادیث اشاره می کنیم.

حدیثی از پیامبر (ص) به این صورت که:

«لیس علی الامین الا الیمین و یا ماعلی الامین الا الیمین» (مراغه ای ۱۴۱۱، ج ۲: ۴۸۵). مفاد حدیث این است که هیچ چیزی جز سوگند بر امین نیست. «علی» در حدیث مزبور مفید هرگونه تعهد و مسؤولیت هست و بدینگونه تعبیر می شود که اگر مال امانی نزد امین تلف، ناقص و یا معیوب گردد امین هیچگونه ضمانی برعهده ندارد و با ادای سوگند از ادعای ضمان تبرئه می شود.

در روایتی از حضرت علی (ع) نقل شده است که فرمودند:

لیس علی المومن ضمان یعنی بر مومن ضمانی نیست. (نوری ۱۳۱۸، ج ۲: ۵۰۶).

مراد از مومن کسی است که مورد وثوق و اطمینان است منظور امین است.

از امام باقر (ع) در مورد کسی که مالی را سرمایه می گیرد و سپس آن مال هلاک و تلف می شود سؤال شد. ایشان فرمودند: «لیس علیه غرم بعد ان یکون امیناً» (کلینی ۱۴۱۱، ج ۳: ۲۳۸)

« یعنی بر امین ضمان و مسؤولیت نیست. منظور از غرم یعنی ضمان به پرداخت خسارت و تدارک تلف است.

از امام صادق (ع):

« لا غرم علی مستعیر عاریه اذا هلکت اذا کان مأموناً» (فیض کاشانی ۱۴۰۱، ج ۳: ۱۱۸)

برمستعیر در عاریه در صورت تلف مال ضمان نیست اگر امین باشد.

از امام صادق (ع):

« لیس علی عاریه ضمان و صاب العاریه و الودیعه مومن» بر مستعیر در عاریه ضمان نیست و صاحب عاریه و ودیعه مومن هستند یعنی فاقد ضمان می باشند.

از امام صادق (ع):

« لیس لک ان تأتمن من خانک و لا تتهم ائتمنت» (جرعاملی ۱۴۱۰، ج ۳، ۱۲۴). حق نداری کسی را که به تو خیانت کرده امین بدانی و کسی را که امین میدانی مورد اتهام قرار نده.

امام صادق از رسول خدا (ص) نقل می کنند که:

« لیس لك ان تتهم من قد ائتمنته و لاتأتمن الخائن». (همان) برتونیست که کسی را مورد ایمان و وثوق توست متهم کنی و خائن را مورد اعتماد خود بدانی معنای عدم ایراد اتهام اینست که امین علی‌الاصول فاقد مسؤولیت است مگر اینکه خیانت کرده باشد.

از امام صادق (ع):

« اذا هلكت العاربه عند المستعير لم يضمنه الا ان يكون اشترط عليه» (فیض کاشانی ۱۴۰۱، ج ۳: ۱۱۹)

اگر عاریه نزد مستعیر نابود شود او ضامن نیست مگر اینکه برضامن بودن او شرط شود.

از امام صادق (ع):

ان الرهن اذا تلف من غير تفریط من المرتهن لم يضمنه و لم يسقط من حقه شيئي» (نوری ۱۳۱۸، ج ۲: ۱۲۶).

اگر رهن بدون تعدی و تفریط تلف شود، مرتهن ضامن نیست.

از امام صادق (ع):

«ان جنى المستعير على المعارميه فاتفلها او افسدها ضمن ما افسد اذا كان قد تعدى». (نوری ۱۳۱۸، ج ۲: ۵۰۷). اگر مستعیر در مورد عاریه مرتکب جنایت شود به این معنی که آن را تلف کند و یا فاسد نماید آنچه را که تلف یا فاسد کرده است ضامن است در صورتی که تعدی کرده باشد. مفهوم حدیث این است که در صورت عدم تعدی از جانب مستعیر وی ضامن تلف و فساد مال عاریتی نیست.

نتیجه اینکه؛ روایات و احادیث مربوط به عدم ضمان امین در ابواب مختلفی مانند عاریه، ودیعه، اجاره، رهن، وکالت، مضاربه وجود دارد که عدم ضمان در همه آنها ناشی از اینست که شارع متصرفین چنین اموالی را امین دانسته است. وجود احادیث فراوان در خصوص عدم ضمان امین بوده است. براین اساس در بین فقها اختلافی در باب عدم ضمان امین به چشم نمی خورد.

اعتبار شرط عدم ضمان امین

در حالت کلی امین ضامن تلف یا عیب و نقص مال مورد امانت نیست مگر در صورت تعدی و تفریط؛ اما در عقود امانی نظیر: ودیعه و عاریه طرفین عقد می‌توانند شرط افزایش یا کاهش ضمان نمایند. حال چنانچه طرفین عقد شرط نمایند که امین حتی در صورت تعدی و تفریط ضامن تلف یا عیب و نقص مال مورد امانت نباشد، چنین شرطی را شرط عدم ضمان امین می‌گویند. در قسمت قبل دلایل مخالفان و موافقان نفوذ شرط عدم ضمان و نقد نظر مخالفان مورد مطالعه قرار گرفت و باید گفت دلیلی بر عدم پذیرش این شرط در مورد امین وجود ندارد. این شرط که در فقه از آن به شرط برائت از ضمان نیز تعبیر می‌شود در باب امانات و در مطالعه عقود مانند: ودیعه و عاریه مورد بررسی قرار می‌گیرد و البته بسیار کمتر از شرط ضمان به آن پرداخته شده و بیشتر فقها حتی اشاره‌ای به آن نداشته و دیگر فقها نیز معمولاً در رابطه میان پزشک و بیمار از شرط عدم ضمان سخن به میان آورده‌اند و آن را در چنین مورد خاصی معتبر دانسته و در موارد دیگر قائل به بطلان آن شده‌اند.

ضمان ناشی از عدم رد مال مورد امانت

در عقود امانی چون بر عدم ضمان امین است مالک که مدعی اتلاف مال از سوی امین بدلیل تعدی و تفریط است، باید این امر را اثبات کند. یعنی مالک برای مطالبه خسارات ناشی از تلف و نقصان وارد بر مال باید اثبات کند که امین در اجرای تعهد به حفاظت از موضوع امانت تقصیر کرده است و یا اینکه تلف مال مستند به فعل امین بوده است. البته اثبات اتلاف مال به وسیله

امین و احراز رابطه علیت بین تقصیر او و تلف از جمله قواعد عام مسؤولیت است یعنی زیان‌دیده باید تقصیر خواننده دعوی و رابطه علیت میان تقصیر و ورود زیان را اثبات کند اما بار اثبات تعدی و تفریط از جانب امین توسط مالک از آن رو به دوش مالک است که مفاد تعهد امین یک تعهد به وسیله است لذا با احراز تلف مال و یا نقصان آن این ادعا که امین به عهد خویش وفا نکرده قابل قبول نیست امین ملتزم به حفظ متعارف مال است آنچنان حفاظتی که اشخاص متعارف معمول می‌دارند اما در این راستا ضامن سالم ماندن کالا نیست حتی در جریان سالم رسانیدن کالا به مالک اگر مال تلف شود و یا نقص پیدا کند ضمانی ندارد. بنابراین مالک باید تجاوز امین را از حدود متعارف یا قرارداد اثبات کند. بعبارتی در مقام نبود اماره و قرینه بر اسناد تعدی و تفریط به امین اصل عدم تعدی و تفریط به سود وی جاری است و کسی که مدعی امر حادث است مدعی است و او مکلف به اقامه بینه است. (درودیان، همان: ۱۳)

شرط افزایش ضمان امین

عاریه

عاریه، در لغت یعنی منافع چیزی را به ملکیت دیگری درآوردن بدون اجرت و عوض (حسینی ۱۳۸۲، ۳۲۴) یعنی انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی از او نگیرد. یابه عبارت دیگر عقدی است که به موجب آن یک طرف به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجاناً استفاده کند و عین مال از بین نرود مانند آنکه کسی اتومبیلش را به دیگری عاریه دهد. در اصطلاح فقهی عاریه عقدی است که اثر آن استفاده رایگان از منفعت است. آنچه در فقه امامیه مسلم است ماهیت عاریه اذن در انتفاع است نه تملیک مال در حالی که مالکیه و بعضی از حنفیها آن را به تملیک مجانی و موقت مال تصرف کرده‌اند شافعیه و حنابله نیز از آن به اباحه انتفاع تعبیر کرده‌اند. (جزیری ۱۴۱۰، ج ۳، ۲۷۰)

برطبق ماده ۶۴۰ قانون مدنی «مستعیر ضامن تلف و نقص مال مورد عاریه نیست مگر در صورت تعدی و تفریط» این حکم قانون مدنی نیز بر پایه‌های فقهی متکی است و در این زمینه به چند مورد از اقوال عبارات فقهای بزرگ اشاره می‌شود:

«وهی امانه لایضمن الا بالتعدی او التفریط» (شیخ صدوق ۱۴۱۰: ۴۸۷)

«اذا ثبت جواز العاریه فهی امانه غیر مضمونه» (شیخ طوسی، ۱۴۱۶ ج ۴، ۱۳۴)

«العاریه امانه لا یضمنها المستعیر الا بالتفریط فی الحفظ او التعدی»

بنا براین عاریه از امانات مالکانه بشمار می‌آید و براساس متون مختلف فقهی و قاعده استیمان ید مستعیر بر مال یدامانی غیر مسؤول محسوب می‌شود. .

این مطلب که عاریه عقد است، در بین فقها مشهور است. برخلاف نظر برخی که عقد را صرفاً موجد تعهد میدانند و از این طریق عقد بودن عاریه را نفی می‌کنند (کاشف الغطا ۱۴۰۹، ج ۳، ۴۶) اولاً اثر عاریه نیز علاوه بر اذن ایجاد تعهد هم هست و ثانیاً عقد می‌تواند علاوه بر ایجاد تعهد موجد آثار دیگر باشد (کاتوزیان ۱۳۷۵، ج ۱، ۱۴) عاریه از عقود جایز و اذنی است لزومی ندارد که معیر حتماً مالک مال باشد.

مسؤولیت مستعیر

عقد عاریه از عقود امانی است و مستعیر امین و محسن محسوب شده و بنابراین علی‌الاصول ضامن نیست این اجماع فقهی امامیه است که عاریه در ید مستعیر امانت است (شهید ثانی ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۱۴) و وی جز در صورت تقصیر ضامن نیست در

همین راستا ماده ۶۴۰ ق. م مستعیر را تنها در صورتی مسؤول می‌داند که مرتکب تعدی و تفریط شده باشد و روایت فراوانی در خصوص عدم ضمان مستعیر وارد شده است. (کلینی، پیشین، ج ۵، ۲۳۸)
اما مستعیر در سه حالت مسؤول است: تعدی و تفریط، اتلاف و عاریه طلا و نقره.

شروط مربوط به مسؤولیت در عاریه

قاعده کلی ضمان در امانات اینست که امانات اقتضای ضمان ندارد بعبارتی اگر امین ضامن نیست ناشی از اینست که دلیلی بر وجود ضمان نداریم اما هرگاه شرط کنیم ضمان ایجاد می‌شود روایاتی که شرط ضمان در عاریه را صحیح می‌دانند نمی‌توان آنها را استثنائی تلقی کرد. از لحاظ حکم ضمان فرقی بین عاریه با سایر امانات نیست و از طرف دیگر گرچه در عاریه تنها مستعیر منتفع است لکن این تفاوت ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد مستعیر هم امین است و لذا چون شرط ضمان بر امین مذکور صحیح است حکم آن قابل تسری به سایر امانات مالکانه هم می‌باشد. عقد عاریه تنها عقدی است که قانونگذار به صحت شرط ضمان در آن صریحاً اشاره کرده است در حالی که برخی از فقها در سایر عقود امانی مثل اجاره و ودیعه و مضاربه شرط را باطل اعلام کرده‌اند، اما همه در عاریه متفق‌القولند که شرط نافذ است اصلی‌ترین دلیل فقها در این خصوص روایات وارده در باب نفوذ شرط است. صاحب شرایع می‌گوید: «العاریه امانه لاتضمن الا بالفريط فی الحفظ او التعدی او اشتراط الضمان.» (حلی ۱۳۶۸، ج ۱، ۳۰۱)

ودیعه

دربین امانات مالکانه بارزترین و خالصترین نوع، ودیعه است و دیعه مترادف با امانت است و به همین دلیل آنرا امانت محض یا امانت خاص می‌نامند (شیرازی ۱۴۰۹: ۵۶) پس ودیعه امانت محض و عقد امانی بالذات است. براساس تعریف قانون مدنی ودیعه عقدی است که به موجب آن فرد مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آن که آن را ممانعاً نگاه دارد. ودیعه گذار مودع و ودیعه گیر را مستودع یا امین می‌گویند. (ماده ۶۰۷ ق.م). بنابراین ودیعه عقد جایزی است که مقتضای اصلی آن اعطای نیابت به شخصی برای حفاظت و نگهداری از اموال است مستودع در مقابل مال امانی، امین و مورد اعتماد مالک محسوب شده و لذا مسؤول خسارات و تلف وارده بر مال محسوب نمی‌شود.

دلایل رد شرط مسؤولیت مستودع

مخالفت با حکم کتاب و سنت، محسن بودن امین، عسر و حرج، نایب بودن امین دلایلی است برای رد شرط مسؤولیت ابراز شده است حال به بررسی اهم دلایل می‌پردازیم:

-مخالف با کتاب و سنت بودن شرط مسؤولیت مستودع

در اسلام شرط نامشروع حرام است و مراد از شرط نامشروع شرطی است که مخالف کتاب و سنت باشد. (انصاری، ۱۴۱۲: ۲۲۷). در فقه ادله شرعی مختلفی بر عدم ضمان امین وارد شده است از جمله آیه احسان و عسر و حرج و بنابر آنها ضمان از امین برداشته شده است و چون شرط مخالف این احکام شرعی است باطل است (حسینی عاملی ۱۴۱۸ ج ۶، ۶۹) برخی فقیهان در این خصوص تحلیل جالبی دارند به این صورت که ادله عدم ضمان در باب ودیعه دلالتشان اقتضایی است اما دلیل عدم ضمان در غیر ودیعه از عقود امانی نبودن اقتضای ضمان در آنهاست و این اقتضا می‌تواند بوسیله شرط مقید شود مثلاً در عاریه

اگر ضمان نیست به دلیل عدم ضمان اقتضائی است و عدم ضمان مقتضی آن ادله است لذا شرط ضمان منافی این مقتضی است که به وسیله شرع ایجاد شده است و گفته شده احکام اقتضائی قابل تغییر نیستند. (بجنوردی، پیشین، ج ۷، ۷۲).

مخالف مقتضای ودیعه بودن شرط مسؤولیت امین

گاهی هدف اصلی منظور اساسی در عقد امانت سپردن مال به دیگری برای حفظ آنست و عبارتی امین قراردادن وی می‌باشد و گاهی این هدف جزو لوازم یک عقد دیگری است. چکیده این دلیل اینست که امین بودن مستودع جوهره و ذات ودیعه است لذا بین شروط و اساس و قوام عقد تنافی است. آنچه را که شرط مستلزم آنست عقد نفی می‌کند و بالعکس و با تعارض هر دو حکم به سقوط داده می‌شود و مراد از سقوط بطلان شرط و عقد در ودیعه است عبارتی بین عقد و شرط تقاض است و النقیضان لایجتمعان.

این استدلال به این صورت در کتب فقهای امامیه یافت نمی‌شود اما برخی که شرط ضمان در اجاره را می‌پذیرند اما در ودیعه نه می‌گویند در ودیعه بطلان مشروط به جهت مخالفت با مقتضای ذات آنست. بعضی فقها به هنگام بحث از شرط ضمان در غیر ودیعه آن را باطل می‌دانند و می‌گویند که مثل ودیعه هستند و شرط ضمان در آنها مانند شرط ضمانی در ودیعه است و لذا باطل است. (محقق کرکی ۱۳۶۵. ج ۷، ۲۷۵).

یدمالکانه مستودع

در تعریف ودیعه بیان شد که اصل بر جانشینی مستودع به جای مالک در حفظ مال او است، پس ضامن قراردادن وی به منزله ضامن قراردادن خود مالک است و بدیهی است که مسؤولیت مالک نسبت به اموال تحت حفاظت خود اساساً منطقی به نظر نمی‌رسد.

اجماع

یکی از مبانی مهم عدم ضمان امین اجماع عموم فقهای امامیه و عامه است لذا گفته شده که شرط بعلت مخالفت با اجماع باطل است اما عقد باطل نمی‌شود و غیر مضمونه است و مفاد «لیس علی‌المستودع ضمان» آنست.

نظم عمومی

تعریف و مفهوم نظم عمومی قبلاً مورد بررسی قرار گرفت، باید گفت: در صورت ارتکاب تقصیر عمدی و سنگین، توافق بر شرط عدم ضمان متعهد، برخلاف نظم عمومی و باطل است (صفایی ۱۳۶۴، ش ۴) و شرط عدم ضمان نمی‌تواند از تعهد او نسبت به جبران خسارت بکاهد. زیرا در یک جامعه منظم هیچ کس حق ندارد در پناه قراردادی که به سود خود تحصیل کرده است در ضرر زدن به دیگران آزاد باشد و فراهم آوردن زمینه بد طینتی و مردم آزاری از نمونه‌های بارز تجاوز به نظم عمومی است (کاتوزیان ۱۳۹۲، م. م ۵۸۲:۱)، علاوه بر آن صحیح نیست متعهد در برابر منفعتی که می‌برد از مسؤولیت عهد شکنی به عمد نیز میرا باشد؛ لذا ارتکاب تقصیر عمدی یا سنگین برخلاف نظم عمومی است و از مبانی بطلان شرط عدم ضمان می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

در اینکه تعدی و تفریط سببی برای انحلال عقد ودیعه نیست اختلاف نیست ولی بایستی گفت که مالک با این عنوان متصرف را امین قرار داده است که وی نسبت به مال رفتاری بعنوان یک امین دلسوز و با حسن نیت را داشته باشد و لذا اذن مالک درست است که باعث امانت است اما با این قید که امین مرتکب خیانت و تقصیر نگردد و از اینرو بقای اذن به معنی بقای اثر آن (عدم ضمان امین) نیست و با تعدی و تفریط این اثر زایل می‌شود از دیگر سو تعدی و تفریط بعنوان سبب ضمان است نه مانع نفوذ یک اثر حقوقی به عبارتی تعدی و تفریط زمینه و شرایط مسؤولیت امین را فراهم می‌آورد و سببیت در آن چهره اساسی دارد نه مانعیت تا گفته شود «اذا زال المانع عاد الممنوع»، «الزائل لایعود».

حقیقت اینست که نظریه دوم گرچه از لحاظ هدف مربوط به حمایت از امین و پاداش احسان وی پسندیده است اما نظریه اول با اصول حقوقی و مبانی فقهی کاملاً سازگاری دارد. مقنن در تمام مواد و احکامی که بر امین حکم غاصب را بر کرده است مهمتر از مسأله قطع اذن ناشی از مطالبه مالک به مسأله تعدی و تفریط پرداخته است بعنوان مثال انکار ودیعه بارزترین نمونه ارتکاب تقصیر است و با انکار آن مستودع در حکم غاصب بشمار می‌آید و لذا با وی به منزله غاصب رفتار خواهد شد در حالی که اگر صفت امانت با بازگشت از تقصیر عودت می‌یافت نباید با وی غاصبانه رفتار می‌شد.

به عبارتی مقنن تنها در خصوص غاصب است که وجود رابطه سببیت را لازم نمی‌داند و لذا تفسیر صحیح از عبارات احکام مذکور اینست که چون بین فعل امین و وقوع تلف وجود رابطه سببیت لازم نیست لذا قانونگذار احکام غصب را بر وی مترتب کرده است.

مبانی فقهی این نظر نیز مؤید این نکته است که احکام مربوط به تعدی و تفریط و آثار آن از نظریه مشهور فقها الهام گرفته است و مسلم اینست که در فقه امین از زمان ارتکاب تعدی و تفریط حائز عنوان غاصب و مشمول احکام آن خواهد بود. فقها تحت عنوان «اعاده ودیعه بعد از تفریط» که به پشیمانی امین از تقصیر اختصاص دارد به غاصب بودن امین تصریح دارند از جمله عبارت شهید ثانی به این مضمون: لانه صار بمنزلة الغاصب: یعنی با تعدی و تفریط او به منزله غاصب شده است».

گرچه نظر مناسب و عقیده مطلوب اینست که امین را در صورت امتناع از تقصیر و اقدام به حفاظت از اموال امانی مشمول قاعده عدم ضمان قرار دهیم ولی این تفسیر تاب مقاومت در برابر مبانی فقهی و ادله قوی دال بر غاصب بودن و ضمان مطلق امین بعد از تعدی و تفریط را ندارد لذا از دیدگاه فقهی و منطقی در مقام تعیین یکی از دو عقیده ناچار به پیروی از نظریه اول هستیم ولی راه اجتهاد مسدود نیست و ادله نظریه دوم نیز در جای خود قابل استناد می‌باشد.

لذا اجمالاً در ادامه می‌توان گفت که؛ ماحصل این پژوهش که بررسی نظریات فقهای امامیه در عقود امانی است، این است که امین ضامن نیست و کسی که حائز صفت امانت است هرگز ضامن نیست. و مواردی که باعث ضمان شدن امین می‌شود به عنوان تقصیر در اثر تفریط یا تعدی امین را ضامن نمی‌کند بلکه صفت امین بودن را از شخص برمی‌دارد و در این صورت فرد متعدی و فرد مفرط ضامن خواهد بود نه شخص امین زیرا امین از آن جهت که امین است هرگز دچار تعدی و تفریط نمی‌شود و دست تجاوز و خیانت به اموال و مورد امانت مردم دراز نمی‌کند. قواعد فقهی و قوانین مورد قبول همه فقها که برگرفته از منابع دین مبین است، برای اصل که امین ضامن نیست صحه گذاشتند. و اگر هم در مواردی اختلاف جزئی باشد در اصل موضوع وحدت نظر وجود دارد.

در مواردی که در عقود امانی شروطی بین افراد مقرر شود، بررسیها نشان داد که این شروط پذیرفته است و می‌توان شرطهایی را که مغایر با شرع مقدس و قانون کتاب و سنت نباشد در معاملات قرار داد. و براساس قاعده تسلیط (الناس مسلطون علی

اموالهم) دوطرف عقد می توانند اجزاتی را خارج از قرارداد، البته بدون تجاوز از شرع به یکدیگر بدهند که در این نوشتار با تفصیل شرح داده شد. در انتها با نگاه به تعالیم دین مبین در موضوعات مختلف و با ورود به جزئیات احکام اسلام، علی الخصوص فقه تشیع، به این نتیجه می رسیم که خداوند متعال به عنوان ولی مطلق بشر به همه جوانب زندگی او نظر داشته و پیرامون ریزترین مسائل زندگی انسان دقیقترین احکام را صادر فرموده است و به انسان این قدرت را عطا فرموده است که با تکیه بر خرد خود این احکام و دستورات را از دل کتاب و سنت استخراج نموده و در زندگی بکار بندد. و هرچه انسان بیشتر دقیق می شود به عظمت اسلام (شیعه) بیشتر پی می برد. و به شاگردی مکتب امام صادق (ع) بیشتر افتخار می کند.

منابع

*قرآن کریم

۱. ابهری، حسین، مسئولیت خارج از قرارداد، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۰.
۲. اردبیلی مقدس، مجمع‌الفائده و لابرهان فی شرح ارشادالاذهان، کتاب الودیع، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱
۳. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۲ ه. ش
۴. انصاری، مکاسب، به تحقیق میرشفیع خوانساری موسسه امام منتظر، چاپ اول، ۱۴۱۲
۵. باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۷
۶. پروین، محمد، مسئولیت مدنی، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۸۲
۷. جهانگیر منصور، قانون مدنی، نشریدار، ۱۳۸۱
۸. حائری شاهباغ سید علی، شرح قانون مدنی، کتابخانه گنج دانش، تهران ۱۳۶۸
۹. درودیان، حسنعلی، جزوه حقوق مدنی ۴، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۲
۱۱. دیانعیبدالرسول، مقاله شرط فعل در حقوق ایران و فرانسه، ۱۳۷۹
۱۲. ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، چاپ انتشارات خرسندی، ۱۳۸۸.
۱۳. زنجانی عمید، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ یازدهم، ۱۳۵۳
۱۴. سجادی، سیدجعفر فرهنگ و معارف اسلامی، چاپ اول، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۵
۱۵. سنگلچی محمد، ضوابط و قواعد معاملات، انتشارات سپیدار، تهران، ۱۳۷۹
۱۶. شهیدی، مهدی، اصول قراردادها، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۶۸
۱۷. طاهری، حبیب الله، قواعدفقه، دانشگاه تهران پردیس قم، ۱۳۸۹
۱۸. عمید، فرهنگ عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۵
۱۹. قاسم زاده، مرتضی، الزام ها و مسئولیت های مدنی بدون قرارداد، بنیاد حقوقی میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۸.
۲۰. نهج البلاغه، ترجمه ارفع سیدکاظم، نشر فیض کاشانی، چاپ اول ۱۳۷۹ ه ش
۲۱. هاشمی، شعله، شروط مسئولیت و عدم مسئولیت امین با نگاهی به حقوق ایران و مصر، انتشارات شان آی، ارومیه، ۱۳۹۴.
۲۲. یزدانفر، مهران، مسئولیت امین، انتشارات سپیدار، شیراز، ۱۳۸۹